

Examining the three dimensions of responsibility to support the Yemeni crisis

Tahereh Sadat Naimi¹
Fatemeh Hosseinzadegan²

Exercising a commitment or responsibility based on analytical dimensions and the three stages of prevention, response and reconstruction to support the realization of the rights of individuals or societies with specific political conditions and strategies, has the ability to provide the necessary policies to create a lasting peace. . The doctrine of the responsibility to protect international law was introduced in 2001 and adopted by the United Nations General Assembly in 2005. The concept of responsibility is to uphold a new human rights norm to begin the responsibility of the international community to prevent and stop genocide, war crimes. The purpose of this descriptive-analytical study is to examine the three stages of responsibility for supporting the Yemeni crisis. Given the extent of the developments in Yemen, the involvement of neighboring powers in the country is one of the problems that has created a gap between the ruling system and the rightful members of society. The alliance of forces with convergent intellectual and ideological tendencies plays a great role in strengthening the basis of resistance to the threats of foreign interference.

Keywords: Protection Responsibility Doctrine, Human Rights, Security Council, Yemen

¹ Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran
² PhD student in Economic Sociology and Development, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran, S.s.z.h.1022@gmail.com

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 3, No 6, Winter 2021

سال سوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۹

ppt 230-261

صفحات ۲۶۱-۲۳۰

بررسی ابعاد سه گانه مسئولیت حمایت در قبال بحران یمن

طاهره سادات نعیمی^۱

فاطمه حسین زادگان^۲

چکیده

اعمال تعهد یا مسئولیت مبتنی بر ابعاد تحلیلی و مراحل سه گانه پیشگیری، واکنش و بازسازی برای حمایت از احقاق حقوق افراد یا جامعه‌ای با دارا بودن شرایط خاص سیاسی و استراتژی، این قابلیت را دارد که سیاست‌های لازم را برای ایجاد موقعیت حاصل از صلح پایدار فراهم سازد. دکترین مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ مطرح شد و در سال ۲۰۰۵ در نشست سران در مجمع عمومی سازمان ملل مورد قبول کشورها قرار گرفت. مفهوم مسئولیت حمایت یک هنجار حقوق بشری جدید برای آغاز مسئولیت جامعه بین‌المللی جهت جلوگیری و توقف کشتار جمعی، جنایات جنگی است. هدف پژوهش حاضر گردآوری به روش توصیفی-تحلیلی بررسی مراحل سه گانه مسئولیت حمایت بحران یمن با این پرسش است که در راستای ابعاد سه گانه مسئولیت حمایت چه اقداماتی در قبال بحران یمن صورت گرفته است؟ با عنایت به میزان تحولات حاصله در یمن زمینه دخالت قدرت‌های همسایه در این کشور از معضلاتی است که از ایجاد فاصله بین دستگاه حاکمه و افراد ذی‌حق جامعه موجب شده است. اتحاد نیروهای دارای گرایش‌های فکری و عقیدتی همگرا نقش زیادی در تقویت مبنای مقاومت در مقابل تهدیدات دخالت بیگانگان ایفا می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: دکترین مسئولیت حمایت، حقوق بشر، شورای امنیت، یمن

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

«یمن» بانام رسمی جمهوری یمن (الجمهوریه الیمنیه) کشوری واقع در جنوب غربی آسیا و جنوب شبه جزیره عربستان به عنوان یکی از پراهمیت ترین کشورهای خاورمیانه با پیشینه و تمدنی عظیم و قابل توجه است (IOC, 2008:1). به طور کلی، جمهوری یمن، دولتی عربی، از نوع جمهوری دموکراتیک، اسلامی و دارای حاکمیت واحد است. دین رسمی آن اسلام و زبان رسمی آن عربی است. بر اساس قوانین مطرح شده در این کشور، شریعت اسلامی منبع تمامی قوانین است. دولت این کشور بر ملتزم بودن به اجرای منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور اتحادیه عرب تأکید می نماید و ملت را مالک و منبع قدرت حاکمه معرفی می نماید. نظام سیاسی جمهوری یمن بر اساس تکثیر گرایی سیاسی و تعدد حزبی است و اقتصاد ملی آن بر پایه آزادی فعالیت های سیاسی و باهدف تأمین منفعت فرد و جامعه و تقویت استقلال ملی آن استوار است. همچنین، عدالت اجتماعی بر پایه اصول اسلام، حمایت از مالکیت خصوصی و رقابت مشروع بین بخش های دولتی و خصوصی و رفتار برابر و عادلانه مورد تأکید قوانین این کشور است (دستور الجمهوریه الیمنیه، ماده ۱-۷).

افزون بر این، برای شهروندان، حق مشارکت در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معرفی شده و دولت موظف است که آزادی اندیشه و اظهار عقیده گفتاری، نوشتاری و تصویری را در حیطه قانون، تضمین نماید. قواعد عقلایی مانند قاعده قبح عقاب بلایان نیز در مسئولیت های جنایی مشهود است؛ به این صورت که تشخیص وقوع جرم و مجازات مترتب بر آن صورت نمی گیرد مگر بر اساس آنچه شرع و قانون به آن تصریح کرده باشد (دستور الجمهوریه الیمنیه، ماده ۲۴ و ۴۲ و ۴۷-۴۸). لذا می توان گفت سیستم حکومتی کشور یمن برگرفته از قوانینی است که ترکیبی از شریعت اسلام و عرف مورد پذیرش عموم جامعه یمنی بوده و شامل انواع خانواده های هسته ای، گسترده، قبیله ای، سنتی و مدرنیته می شود.

به لحاظ بافت سیاسی و اجتماعی، انقلاب یمن پس از مراحل اولیه از انقلاب تونس و هم‌زمان با انقلاب مصر و خیزش‌های مردمی در خاورمیانه در اوایل سال ۲۰۱۱ رخ داد گروه‌ها و احزاب رسمی مخالف دولت یمن همگام با دانشجویان جهت سرنگونی صالح گام برداشتند تا جایی که سقوط رژیم وی به خواست اصلی معترضان یمنی در تظاهرات فوریه ۲۰۱۱ تبدیل شد. این اعتراضات که از ۱۴ ژانویه آغاز گردید با شدیدترین برخوردها و خشونت‌ها و کشته شدن بسیاری از مردم معترض روبرو شد. اعتراضات به رهبری انصار الله و در مخالفت با دولت یمن در نهایت منجر به قدرت‌گیری حوثی‌ها شد. بعد از آنکه حوثی‌ها، شیعیان شمال یمن در استان صعده، در جریان انقلاب جوانان در فوریه ۲۰۱۱ به انقلابیون پیوستند و قدرت را در دست گرفتند، برخی از دولت‌ها از جمله دولت‌های غربی و کشورهای حاشیه خلیج فارس این اقدام را کودتا خواندند و محکوم کردند و چندین سفارت‌خانه غربی و عرب نیز بسته شد. مسئله نزدیکی حوثی‌ها به ایران و قدرت‌یابی شیعیان در یمن در کنار موقعیت راهبردی یمن، تضاد و تقابل زیدی‌های یمن با سلفی‌گری و وهابی‌گری عربستان، وجود اقلیت‌های شیعه و اسماعیلی در عربستان و تعامل شیعیان و زیدی‌ها به‌عنوان خطری برای ثبات داخلی عربستان و تقویت جبهه مقاومت منجر به آن شد که شاهد شکل‌گیری ائتلافی عربی- غربی به رهبری عربستان باشیم که با مشارکت شورای همکاری خلیج فارس و حمایت آمریکا در قالب حملات هوایی و تحریم علیه یمن اقداماتی انجام دهد. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی بر آن است که ضمن تحلیل و بررسی مشروعیت حقوقی اقدام ائتلاف و سپس بررسی ابعاد سه‌گانه مسئولیت حمایت در قبال بحران یمن را مورد بررسی قرار بدهد. از همین رو، پرسش اصلی مقاله حاضر مبتنی است بر اینکه در راستای ابعاد سه‌گانه مسئولیت حمایت چه اقداماتی در قبال بحران یمن صورت گرفته است؟ در ادامه ابتدا با بررسی نظریه مسئولیت حمایت و جنبه‌های حقوقی آن به ابعاد آن در بحران یمن پرداخته می‌شود.

نظریه مسئولیت به حمایت^۱

نظریه مسئولیت به حمایت ناشی از «اصل اولیه مسئولیت حمایت» است که بر اساس آن، هیئت حاکمه در هر کشوری، متعهد است که از مردم جامعه خود برای مقابله با کشتار دست جمعی، جنایات قومی قبیله‌ای، جنگی و نژادی محافظت نماید. به طوری که با عنوان سلبی، حکومت مجاز نیست که با استعانت از عناوینی مانند حق حاکمیت علیه افراد جامعه خویش به کشتار دست بزند (Stahn, 2017:99-100). به لحاظ مبنایی، این نظریه، پس از ناکارآمدی اصل عرفی مداخلات بشردوستانه در دهه‌ی نود شروع به رشد نمود. شکست جامعه بین‌المللی در جلوگیری از فجایع انسانی در سومالی در سال ۱۹۹۳، نسل‌کشی‌های رواندا در سال ۱۹۹۵ و مداخله نظامی در کوزوو در سال ۱۹۹۹ و پس از ناکامی‌های پی‌درپی در اجرای اصول مداخلات بشردوستانه در عمل، کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در تکاپوی ایجاد یک انقلاب فکری در زمینه مداخلات بشردوستانه، در سخنرانی سال ۱۹۹۹ در مجمع عمومی و به دنبال آن در گزارش هزاره خود در سال ۲۰۰۰ به مجمع عمومی، چالش بزرگی را در اذهان سران کشورها ایجاد کرد که باید تفکر و طرحی نو بر ای حفظ حقوق بشری بنیان نهاد. وی گفت:

"من به قوت و اعتبار و اهمیت این مسائل واقفم، و نیز می‌پذیرم اصول حاکمیت و عدم مداخله، حمایتی حیاتی در اختیار کشورهای کوچک و ضعیف قرار می‌دهند، ولی این سؤال را برای منتقدان مطرح می‌کنم: اگر مداخله بشردوستانه در واقع تهاجم غیرقابل قبولی به حاکمیت تلقی شود در آن صورت چگونه باید در مقابل وقایع رواندا و سربریتسا یعنی نقض فاحش حقوق بشر که به تساوی قواعد اخلاقی بشریت مشترک ما صدمه می‌زند واکنش نشان داد" (سواری و حسینی بلوچی، ۱۳۹۰، ۱۸۰). متعاقب درخواست دبیر کل در پاسخ دولت کانادا کمیسیون بین‌المللی در خصوص مداخله و حاکمیت دولت را در سال ۲۰۰۰ تشکیل داد. با نزدیک شدن زمان برگزاری اجلاس سران کشورها برای

^۱ Responsibility to Protect (RTOP)

بزرگداشت شصتمین سال تأسیس سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ میلادی و درخواست بسیاری از کشورها برای ایجاد اصلاحات در ساختار و رویکردهای این سازمان، دبیر کل سازمان ملل هیئت عالی رتبه‌ای را مأمور و منصوب نمود تا بر اساس شرایط روز جهانی و تحولات صورت گرفته در صحنه بین‌المللی، گزارشی را به منظور ایجاد اصلاحات لازم در سازمان ملل تهیه و ارائه نماید. این هیئت عالی رتبه که مرکب از شانزده شخصیت شناخته شده و برجسته بین‌المللی بود گزارش خود را در سال ۲۰۰۴ تحت عنوان "جهانی امن تر و مسئولیت مشترک ما"^۱ ارائه نمود. که در بخشی از گزارش مزبور به پیدایش مسئولیت بین‌المللی جمعی و مداخله نظامی با مجوز شورای امنیت به عنوان آخرین راه حل برای جلوگیری از نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مواقعی که دولت‌ها قادر و یا مایل به ممانعت از آن نیستند تأکید شده است (داداندیش، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

سند نهایی اجلاس سران^۲ در بندهای ۱۳۸ و ۱۴۰ به طور کامل به مسئله مسئولیت حمایت می‌پردازد و تلاش می‌کند تا ضمن ارائه شالوده‌ای از گزارش‌های قبلی با ایجاد اصلاحاتی در نظرات پیشین اجماع بین‌المللی را برای مسئولیت حمایت به دست آورد. سند نهایی چهار تعهد اصلی را برای مسئولیت حمایت پیش‌بینی می‌کند. نخست تمام کشورها تصدیق کردند که در قبال شهروندانشان در برابر نسل زدایی، جرائم جنگی، پاک‌سازی قومی و جرائم علیه بشریت مسئولیت حمایت دارند. دوم کشورها موافقت کردند تا در تهیه کمک برای ایجاد ظرفیتی که کشورها برای برآمدن از عهده مسئولیت‌هایشان به آن‌ها نیازمندند مساعدت نمایند. سوم در وضعیتی که کشور میزبان به صورتی آشکار در انجام مسئولیت‌هایش ناکام می‌ماند کشورها موافقت نمودند تا از تمام روش‌های صلح آمیز برای حمایت از جمعیت آسیب‌پذیر استفاده کنند. چهارم این اقدامات (اقدامات صلح آمیز) باید ناکام بماند یا نامناسب فرض شوند تا شورای امنیت آماده استفاده از تمام روش‌های

^۱A More Secure World: Our Shared responsibility

^۲World Summit Outcome Document

ضروری حتی استفاده از نیروی قهری گردد (سواری و حسینی بلوچی، همان، ۱۸۴). پس از تأیید دکتربین مسئولیت حمایت از سوی نشست سران در سال ۲۰۰۵، شورای امنیت با انتشار قطعنامه ۱۶۷۴ در ۲۸ آوریل ۲۰۰۶ درباره حفاظت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، تأیید مجدد مسئولیت حمایت بود. سپس در قطعنامه ۱۷۰۶ مورخ ۳۱ اوت ۲۰۰۶ که برای مأموریت حفاظت از صلح در دارفور سودان منتشر شد، شورای امنیت بار دیگر بر اهمیت دکتربین مسئولیت تأکید و تعهد خود به اصول این دکتربین را مجدداً اظهار نمود. مداخله نظامی به‌عنوان آخرین گزینه تنها زمانی قابل توجه است که کلیه گزینه‌های غیرنظامی برای جلوگیری و حل صلح‌آمیز مخاصمه و بحران به کار گرفته شود. اقدام در این چارچوب آخرین راهکار ممکن با رعایت شرط تناسب و ضرورت صورت گیرد به‌نحوی که از لحاظ مقیاس، شدت و مدت متناسب باشد و از چشم‌اندازی معقول برخوردار بوده و احتمال موفقیت عملیات نظامی برای حمایت از مردم بالا و پیامدهای آن نباید وخیم‌تر از عدم مداخله باشد.

بر اساس ماده ۵۱ منشور، چنانچه دولتی مورد حمله مسلحانه واقع شود می‌تواند به‌صورت فردی یا جمعی از خود دفاع کند. البته دولت مذکور باید بلافاصله اقدامات خود را به شورای امنیت گزارش کند و شورا نیز موظف است اقدام لازم به عمل آورد تا صلح و امنیت را اعاده کند. شورا نیز می‌تواند بر اساس ماده ۴۲ منشور مجوز انجام عملیات نظامی صادر کرده و در مواردی که به‌موجب ماده ۳۹ منشور تهدید یا نقض صلح را احراز کند و اقدامات غیرمسلحانه (بر اساس ماده ۴۱) را برای حل مسئله کافی نداند، به انواع اقدامات نظامی مبادرت کند. همه دولت‌های عضو ملل متحد نیز به‌موجب ماده ۲۵ منشور مکلف به پذیرش و اجرای تصمیمات شورا هستند. با تفسیر موسع نقض صلح و تهدید بین‌المللی و قرار دادن بحران‌های بشری در زمره این نوع تهدیدات، اجازه مداخله بر اساس ماده ۴۱ و ۴۲ منشور برای استفاده از اقدامات غیر قهری و قهرآمیز به شورای امنیت داده می‌شود.

ابعاد سه گانه مسئولیت به حمایت

۱- مسئولیت پیشگیری^۱ از وقوع فجایع انسانی، به ریشه‌های اصلی و عوامل مستقیم بروز این فجایع می‌پردازد. در نشست جهانی سال ۲۰۰۵ جامعه بین‌المللی بر این موضوع توافق کرد که پیشگیری باید اولویت اول در هر کوششی باهدف حمایت از مردم در برابر فجایع انسانی باشد.

۲- مسئولیت واکنش^۲ در زمانی برای کشور مربوطه مطرح می‌شود که راهکارهای پیشگیرانه به نتیجه نرسیده باشد و فاجعه انسانی در سطح وسیعی روی دهد. در این صورت است که اگر دولت ذی‌ربط یا نتواند یا نخواهد به مسئولیت واکنش خود عمل نماید، مسئولیت ثانویه جامعه بین‌المللی ظهور می‌یابد.

۳- مسئولیت بازسازی^۳ سومین جنبه مسئولیت حمایت است که به موجب آن تلاش می‌شود در کشوری که دوران پس از جنگ را سپری می‌کند نهادهایی برای تحقق صلح پایدار در آن کشور پایه‌ریزی شوند. در تئوری این جنبه مسئولیت حمایت از سایر جنبه‌های آن، کمتر محل اختلاف است و در نشست جهانی سال ۲۰۰۵ نیز تصریحی به مسئولیت بازسازی نشد و در عوض، کمیسیون بازسازی مورد تصویب قرار گرفت (امیرساعد، ۱۳۹۰: ۴۱۴-۴۱۳).

تحولات یمن و روند مداخله‌گری عربستان در یمن

حکومت‌های عربستان و یمن به دلایل مختلف سیاسی و استراتژیک، روابط پیچیده و قابل‌تأمل در سه دهه گذشته برقرار داشته‌اند. تلاش آل سعود در عربستان و علی عبدالله صالح در یمن برای حفظ حاکمیت در بسیاری از موارد آن‌ها را در کنار یکدیگر قرار داد. از زمان وحدت یمن شمال و جنوب در دهه ۱۹۹۰، این روابط ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت، با این حال مردم یمن در ۱۶ فوریه ۲۰۱۱ همچون مردم سایر کشورهای عربی حوزه

¹ Responsibility to Prevent

² Responsibility to react

³ Responsibility to rebuild

خلیج فارس و شمال آفریقا، حرکت‌های خود برای سرنگونی صالح را آغاز کردند. این اعتراضات به رهبری انصار الله و در مخالفت با افزایش قیمت سوخت و گسترش فساد در دولت یمن صورت گرفت و باعث شد پای بهار عربی به یمن نیز باز شود. البته پیش‌تر نیز درگیری سال ۲۰۰۴ در سال‌های میلادی ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، و ۲۰۰۹، جنگ‌هایی بین حوثی‌ها و دولت یمن شکل گرفته بود که به جنگ‌های شش‌گانه دولت یمن با حوثی‌ها نام‌گذاری شده است (مسعود نیا، ۱۳۹۱: ۱۳۵). به‌رحال مخالفت آن‌ها با علی عبدالله صالح حمایت برخی از دیگر گروه‌ها از آنان را جلب کرد و بدین ترتیب انصار الله با کمک آنان توانستند دیگر رقبا و گروه‌های به‌ویژه سنی‌ها را کنار زده و وارد صحنه شوند. در ۱۷ بهمن ۱۳۹۳ انصار الله با منحل اعلام کردن مجلس یمن و تشکیل یک شورای ۵ نفره برای ریاست جمهوری به نام «کمیته عالی انقلابی»، قدرت را در این کشور به دست گرفتند. با افزایش قدرت انصار الله عربستان طی چندین مرحله و با احساس تهدید به دنبال حل بحران برآمد. عربستان ابتدا به حمایت از صالح پرداخت و حفظ قدرت وی را با مشت آهنین خواستار شد. با اوج‌گیری قیام و افزایش احتمال ورود آن به عربستان، طرح شورای عربستان بر خروج آبرومندانه صالح از قدرت استوار شد. عربستان به دنبال طرح خروج صالح در سی روز از قدرت و انتخابات در ۶۰ روز (۳۰+۶۰) بدون محاکمه صالح در نظر داشت تا بتواند طرح شورای همکاری خلیج فارس در نوامبر ۲۰۱۱ که واگذاری قدرت به منصور هادی بود را واگذارد اما وجود مشکلات ساختاری پیشین این طرح به بن‌بست رسید (اسلامی زارنجی، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۰). با تسلط حوثی‌ها بر مناطق شمالی یمن و پیشروی آن‌ها به سوی جنوب یمن، شورای امنیت سازمان ملل متحد با پشتیبانی عربستان سعودی، ایالات متحده و انگلیس قطعنامه ۲۲۱۶ را تحت فصل هفتم منشور ملل متحد در ۱۴ آوریل ۲۰۱۵ صادر کرد (UN, 2015). منصور هادی پس از گریختن، از جامعه بین‌المللی و متحدان عرب خود خواست تا در یمن دخالت نظامی کنند. متعاقب آن در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ ائتلافی از برخی کشورهای عرب منطقه به رهبری عربستان سعودی حملات هوایی

خود را علیه یمن آغاز کردند. در این عملیات هواپیماهای عربستان، امارات متحده عربی، قطر، کویت، بحرین، مراکش، مصر، اردن و سودان شرکت کردند و سومالی هم اجازه‌ی استفاده از پایگاه‌های نظامی خود را داده است (Sharp, 2015:1). بدین ترتیب در سال ۲۰۱۵ میلادی، حمله هوایی جمعی از کشورهای منطقه به رهبری عربستان سعودی بانام طوفان قاطعیت آغاز شد و بعدازآن بانام عملیات احیای امید ادامه یافت. هواپیماهای پنج کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس شامل عربستان، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین به همراه مراکش، اردن و سودان در این حمله مشارکت کردند. این عملیات در حمایت از دولت منصور هادی و علیه انصار الله و حامیان علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور سابق یمن صورت گرفته که صنعا پایتخت یمن و بیشتر مناطق شمالی را در اختیاردارند. همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به جز عمان در این عملیات شرکت کرده‌اند. مراکز دفاع هوایی، سکوها، پرتاب موشک و جنگنده‌های شبه‌نظامیان و همچنین کاخ ریاست جمهوری صنعا از جمله اهداف جنگنده‌های ائتلاف می‌باشند. در طول این جنگ، هواپیماهای عربستان بارها با حمله به تأسیسات زیر بنایی یمن از جمله دو نیروگاه البیضاء و صعده خسارات زیادی به این تأسیسات وارد کرده‌اند عربستان و متحدانش که باگذشت بیش از یک سال از حملات خود به یمن، به هیچ‌یک از اهداف اولیه دست نیافتند، سرانجام تن به مذاکره دادند. با پایان مذاکرات بی‌نتیجه صلح یمن در کویت، انصار الله و کنگره ملی در قالب یک توافق اعلام کردند برای مدیریت کشور یک شورای عالی سیاسی تشکیل داده‌اند. در این مذاکرات طرف‌های سیاسی در یمن با میانجی‌گری نماینده سازمان ملل، وارد گفت‌وگو برای دستیابی به صلح پایدار شدند (Tasnimnews, 1395). شکست روند مذاکرات موجب شد که ائتلاف انصار الله و کنگره ملی یمن به توافقی برای تشکیل یک شورای عالی سیاسی برای اداره کشور دست یابند. این شورا شامل ده عضو از کمیته مردمی و انصار الله به صورت مساوی است و هدف آن اداره امور کشور و مقابله با متجاوزان سعودی و متحدانش اعلام شده است در واکنش

به این توافق، هیئت ریاض این اقدام انصار الله را به کودتا تعبیر کرد و فرستاده سازمان ملل هم آن را نقض خطرناک قطعنامه‌های بین‌المللی دانست. وزارت خارجه آمریکا این توافق را محکوم کرده و اظهار داشت که این گونه اقدامات خروج از مذاکرات صلح محسوب می‌شود؛ اما سخنگوی انصار الله یمن اعلام کرد که این توافق هیچ تأثیری بر مذاکرات آینده نخواهد داشت و این امر تنها نشان‌دهنده همبستگی ملی است (پیشین).

رویکرد ائتلاف سعودی در جنگ یمن

عربستان نفت خود را از طریق تنگه هرمز و باب‌المندب به خارج صادر می‌کند و در صورتی که تنگه‌های یادشده بسته شوند، صادرات نفت این کشور عملاً قطع می‌شود. برای رفع این تنگنای ژئوپلیتیک، عربستان به جنوب چشم دوخته است. سیاست عربستان طی سالیان این بوده است که به هر نحو ممکن به دریای آزاد دسترسی پیدا نماید. در جنوب عربستان دریای عرب که دریایی آزاد است، واقع شده است و از طریق آن می‌توان به‌طور مستقیم به اقیانوس هند دسترسی پیدا کرد؛ اما استان‌های ظفار عمان و حضر موت یمن مانع عمده دسترسی این کشور به دریای آزادند، لذا عربستان همواره تلاش کرده است تا این موانع را با تهاجم به یمن و اعمال فشارهای مختلف بر این کشور از میان بردارد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۵). عربستان در طول دهه‌های مختلف از جنبش‌ها و گروه‌های جدایی طلب عمان و یمن دفاع کرده است تا بتواند بر یمن و ظفار مسلط شود و به دریای آزاد نیز دسترسی پیدا نماید. شکی نیست که هدف عربستان از این حملات و جنگ‌های ضد یمن، تسلط بر حضر موت یمن است؛ زیرا عربستان به‌طور رسمی اعلام کرده است که حضر موت متعلق به این کشور است (Kayhan International, 1992). عربستان سعودی در راستای تسلط بر تنگه باب‌المندب و تضمین امنیت رفت‌وآمد نفت کش‌های خود تاکنون چندین جزیره راهبردی یمن را اشغال کرده است. به نوشته هفته‌نامه یمنی الوحیدی، عربستان در ۲۳ مه ۱۹۹۸ جزیره یمنی دئوهوراپ، واقع در آب‌های جنوبی یمن را اشغال کرده و حاضر نیست آن را ترک گوید. عربستان سعودی از یمن خواسته است

در مقابل تخلیه این جزیره، یمن نیز جزیره عاشق در دریای سرخ تخلیه کند. عربستان سه استان یمنی بانام‌های نجران، جیزان و عسیر را به وسعت خاک سوریه را اشغال کرده است. استان عسیر در شمال یمن بین حجاز، یمن و نجد واقع شده است و تا کناره دریای سرخ امتداد دارد و از این نظر حائز اهمیت ژئوپلیتیکی است. استان جیزان در جنوب شرقی عربستان و در شمال غربی یمن و در کنار دریای سرخ واقع است. بزرگ‌ترین پایگاه دریای عربستان در دریای سرخ در این استان قرار دارد. استان نجران در جنوب عربستان و در شمال یمن قرار دارد. یکی از پایگاه‌های بزرگ هوایی عربستان در این استان واقع است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۲). ایجاد یک کشور یمنی متحد و قوی مطلوب عربستان نیست. به موجب قانون اساسی یمن متحد، این کشور به یکی از آزادترین کشورهای عرب تبدیل می‌شود که این امر خوشایند رژیم‌های مستبد عربی حاشیه خلیج فارس از جمله عربستان نیست. بدین ترتیب، از نظر واکنش بازیگران خارجی به حوادث داخلی یمن در جریان بهار عربی و پس از آن، بدون شک عربستان همواره نقشی مداخله‌گرایانه در یمن داشته و این کشور را حیاط خلوت خود تلقی کرده است، طوریکه اکثر مردم یمن سوا از مذهب، جهت‌گیری سیاسی یا طبقه اجتماعی بر این باورند که عربستان نقش مهمی در بی‌ثباتی این کشور ایفا می‌کند (Blumi, 2011: 147).

با توجه به اینکه بیشتر مناطق مرزی یمن با عربستان هم‌اکنون در تسلط انصار الله است، از جهاتی باعث نگرانی ریاض شده است؛ چراکه بیش از دو میلیون شیعه یمنی که در عربستان اقامت دارند برای تردد خود از گذرگاه‌های مرزی استفاده می‌کنند و سعودی‌ها این مسئله را بالقوه تهدیدی برای امنیت خود می‌دانند. پیشرفت‌های اخیر حوثی‌ها در یمن به مثابه موجی فزاینده است که می‌تواند تلنگری جدی برای مخالفان ایران باشد. چراکه موقعیت ژئواستراتژیک یمن و تسلط کامل بر بندر الحدیده و تنگه باب‌المنذب باعث نفوذ گروه‌های شیعی تا دهانه دریای سرخ محسوب می‌شود. لذا این یک دستاورد مهم برای رقیب ایدئولوژیک ریاض محسوب می‌گردد تا از طریق مرزهای طولانی واکنش دلخواه

خود را نشان دهد. از جهاتی با تصرف بندر حدیده توسط حوثی‌ها کنترل دو تنگه مهم و حیاتی در اختیار شیعیان قرار دارد که می‌تواند نقش به‌سزایی در معادلات سیاسی و نظامی منطقه ایفا نماید (التیامی نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۸). بنابراین، مهم‌ترین ملاحظات عربستان در جریان انقلاب یمن عدم شکل‌گیری دموکراسی در یمن، جلوگیری از سرعت یافتن تحولات و تلاش برای مدیریت و کنترل آن و جلوگیری از سرایت تحولات یمن به سایر مناطق و کشورها، حفظ ساختار حکومت یمن و تلاش برای قدرت رساندن افراد و جریان‌های غیر وابسته به ایران، کاهش نفوذ شیعیان و تلاش برای جدایی و تجزیه یمن و الحاق برخی از استان‌های یمن برای تضمین دسترسی به دریا و کاهش وابستگی به تنگه هرمز بوده است (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۲).

اقدامات سعودی عبارت‌اند از: ائتلاف‌سازی نظامی و کسب حمایت سیاسی، محاصره اقتصادی و نظامی، بی‌اعتنایی به هنجارهای حقوقی و انسانی بین‌المللی، کسب حمایت سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی، جبهه‌بندی سیاسی و مذهبی، جنگ روانی و رسانه‌ای، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و دولتی، حمله نظامی و کشتار غیرنظامیان، مشروعیت‌زدایی از بازیگران مستقل و طرح دولت‌سازی نوین است (مددی، ۱۳۹۴: ۶). لذا می‌توان گفت، نوع سیاستی که عربستان سعودی به جهات مذکور در پیش می‌گیرد، افزون بر اینکه تکیه بر محافظت نوع حکومت یا سلطه خویش دارد در جهت تقویت وجهه مذهبی و سیاسی خود، نابودی مبانی نظامی، اقتصادی و سیاسی کشور یمن در جهت اعمال نفوذ و قدرت خویش است تا کشورهای ناهم‌سو با خود از قبیل ایران را به هر طریق ممکن از این وجهه خارج و دور سازد.

بررسی حقوقی مشروعیت مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن

عربستان سعودی مداخله نظامی به شکل حملات هوایی به یمن تحت عنوان عملیات طوفان قاطع را در مورخ چهارشنبه ۱۳۹۴/۱/۵ مطابق با ۲۵/۳/۲۰۱۵ آغاز کرد و اعلام نمود: عملیات نظامی در پاسخ به دعوت رئیس‌جمهوری یمن منصور هادی برای حمایت

از این کشور در برابر تجاوز مداوم حوثی‌ها و بر اساس اصل دفاع از خود مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد و با همه ابزارهای لازم از جمله مداخله نظامی، صورت پذیرفته است (گلشن پژوه، ۱۳۹۴). برای بررسی بیشتر این موضوع مشروعیت مداخله‌گری عربستان سعودی در یمن از سه دیدگاه حقوق داخلی، حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه قابل بررسی است:

الف) دیدگاه حقوق داخلی یمن

بر اساس اصول ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی یمن، شرایطی که امکان دخالت کشوری دیگر برای تثبیت اوضاع داخلی یمن میسر می‌گردد، به گونه‌ای در نظر گرفته شده که با وضعیت جاری مطابقت نمی‌کند. در این قانون دو راه برای مشروعیت بخشیدن به استفاده از نیروهای نظامی سایر دول در تثبیت امور داخلی یمن وجود دارد:

۱. تصویب مجلس ۲. تصویب شورای دفاع ملی به ریاست رئیس‌جمهور. اصل ۳۷ قانون اساسی یمن مقرر می‌دارد: "پس از تصویب مجلس شورا، اعلام بسیج نیروها با رئیس‌جمهور است". گرچه طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی این کشور، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام قوای مسلح است؛ اما وی نمی‌تواند مستقلاً و بدون کسب رأی موافق مجلس شورا در خصوص بسیج نیروها و یا مداخله سایر دولت‌ها در امور داخلی و از جمله مداخله نظامی تصمیم‌گیری نماید. از طرف دیگر، و بر اساس اصل ۳۸ قانون اساسی، نهاد عالی شورای دفاع ملی تا پیش از تجاوز سعودی‌ها به یمن در این خصوص تشکیل نشده و مبادرت به تصمیمی در این خصوص ننموده است. بنابراین، حضور و تجاوز ائتلاف کشورهای عربی به یمن آشکارا ضمن نقض قانون اساسی یمن بوده و نمی‌تواند توسل به‌زور، مداخله در امور داخلی کشور دیگر و نقض تمامیت ارضی یمن را که هر سه از اصول به رسمیت شناخته شده در منشور ملل متحد و قطعنامه‌های شورای امنیت می‌باشند را موجه نماید.

ب) دیدگاه حقوق بین الملل

با توجه به محوریت منشور ملل متحد در اقدامات کشورها در عرصه بین الملل، و از آنجا که عربستان و کشورهای متحد به این منشور متوسل شده‌اند ضروری است مواد و بندهای مرتبط با موضوع موردنقد و تحلیل قرار گیرد. در فصل اول، بر اساس بند ۳ از ماده ۲ منشور: "کلیه اعضا اختلافات بین المللی خود را به وسایل مسالمت آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیفتد طی خواهند کرد." این بند به صراحت توسل به وسایل غیر مسالمت جویانه را از کشورهای عضو منع می کند. همچنین بند ۴ همین ماده کلیه اعضا را از تهدید به زور یا استفاده از آن، یا هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور منع می کند. منشور، در فصل دوم و بر اساس ماده ۶ تصریح می کند: "هر عضو ملل متحد که در تخطی از اصول مندرج در این منشور اصرار ورزد ممکن است به وسیله مجمع عمومی بنا بر توصیه شورای امنیت از سازمان اخراج گردد. از مجموع موارد فوق می توان مذموم بودن توسل به زور توسط اعضای ملل متحد علیه سایر اعضا را که با مقاصد سازمان ملل متحد (صلح و امنیت بین المللی، ...) مبیانت داشته باشد به صراحت دریافت. آنچه از اقدامات عربستان تاکنون در یمن صورت پذیرفته به هیچ وجه با مقاصد سازمان ملل مطابقت ندارد.

فصل ششم منشور که به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات اختصاص دارد مقرر نموده است که کشورها قبل از هر اقدامی باید از طریق مذاکره، میانجی گری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت آمیز به انتخاب خود، به راه‌حلی دست پیدا کنند (ماده ۳۳ و بند ۱). آنچه در این فصل قابل توجه است نحوه مداخله شورای امنیت در رفع این تعارضات است. بر این اساس، نخست شورا از طرف‌های درگیر می خواهد که اختلافات خود را با شیوه‌های مذکور حل و فصل کنند (بند ۲ ماده ۳۳)؛ در غیر این صورت طرفین (نه فقط یک طرف) باید این اختلاف را به شورا ارجاع دهند

(ماده ۳۷)؛ و از همه مهم تر نقشی است که در پایان این فصل (ماده ۳۸) در نظر گرفته شده است و آن هم فقط نقش توصیه گری به طرف های مورد اختلاف است.

فصل هفتم منشور (مواد ۳۹- ۵۱) به نقض صلح و اعمال تجاوز اختصاص دارد. ماده ۵۱ این فصل مقرر می‌دارد: " در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود " خواه فردی یا دسته‌جمعی " لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند "... در این خصوص باید متذکر شد که توجیه عربستان مبنی بر درخواست منصور هادی برای تثبیت وضعیت داخلی یمن به‌هیچ‌عنوان موجه نمی‌کند زیرا وی قبل از تاریخ تجاوز سعودی‌ها به یمن استعفا داده است و نمی‌توان به استناد چنین درخواستی تجاوز را مشروع جلوه داد. عربستان تنها در صورتی می‌توانست به این توجیه متمسک شود که اولاً: وی هنوز در سمت ریاست جمهوری یمن باقی بوده و ثانیاً: عربستان پیش از تجاوز، گزارش وضعیت را به شورای امنیت ارائه کرده و مجوز لازم را دریافت می‌نموده است. منصور هادی تنها نه به‌عنوان رئیس‌جمهور مشروع بلکه به‌عنوان کسی که مسئول مرحله انتقال قدرت بوده در یمن مشروعیت داشته و نمی‌تواند به‌عنوان رئیس‌جمهور قانونی از دولت عربستان تقاضای مداخله نماید. این امر از قطعنامه ۲۲۰۴ شورای امنیت نیز استنباط می‌شود که از وی به‌عنوان رئیس‌جمهور قانونی نامی نبرده است. در این خصوص اصل تجاوز به یمن را مخدوش، غیر مشروع و غیرقانونی می‌نماید بند ۱ از ماده ۵۳ منشور است که کشورها را ملزم می‌نماید برای انجام هر عملیاتی علیه یکدیگر باید نخست از شورای امنیت کسب مجوز نمایند. اقدامی که قبل از تجاوز به یمن توسط مقامات سعودی به‌هیچ‌عنوان صورت نگرفته و این امر در مخالفت آشکار و بی‌پرده با منشور ملل متحد انجام شده است. آشکار است که شورای امنیت با قطعنامه ۲۲۱۶ مورخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۵، چشم خود را بر این

تخلف واضح سعودی‌ها بسته است. تجاوزی که منجر به کشتار غیرنظامیان و کودکان بی‌گناه و تخریب زیرساخت‌های کشور یمن گردیده و در عمل قطعنامه مذکور مشروعیت خود را از دست داده است (کیانی نژاد، ۱۴۰۰). لازم به ذکر است که دلایل پیش گفته را می‌توان همچنین در مورد نقض منشور سازمان همکاری اسلامی^۱ و اتحادیه عرب مستدل دانست. با توجه به این منشور، کشورهای اسلامی باید اختلافات متقابل خود را در چارچوب سازمان همکاری اسلامی حل کنند و همچنین در مورد کشورهای عربی در اتحادیه عرب به همین رویه عمل می‌گردد. برخلاف نص منشور این دو سازمان، عربستان سعودی قبل از انجام حمله علیه یمن، با هیچ‌یک از این دو سازمان مشورت نکرد (پیشین).

ج) دیدگاه حقوق بشر دوستانه

حملات سنگین نظامی و بمباران‌های مناطق مسکونی و غیرنظامی مردم یمن توسط سعودی‌ها تلفات جانی برای غیرنظامیان و به‌ویژه زنان و کودکان و سالخورده‌گان را در پی داشته است. بر اساس گزارش سازمان ملل نیروهای ائتلاف تحت رهبری عربستان به کشتار غیرنظامیان در جنگ و ارتکاب نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی ادامه می‌دهند. نیروهای ائتلاف، مناطق تحت کنترل حوثی‌ها و یا مناطقی که نیروهای حوثی در آن حضور دارند را بمباران هوایی می‌کنند خصوصاً در صنعا، تعز، حجه، حدیده و صعده که باعث کشتار و جراحت هزاران غیرنظامی شده است. دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۶، ۵۸ حمله هوایی غیرقانونی توسط ائتلاف را گزارش کرده است که منجر به کشته شدن نزدیک به ۸۰۰ غیرنظامی و ویرانی خانه‌ها و مغازه‌ها و بیمارستان‌ها و مدارس و مغازه‌ها و مساجد آن‌ها شده است. در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ نیز صدها غیرنظامی کشته شده‌اند. (رک حشمت، ۱۳۹۷: ۷۱-۷۰). این آسیب‌ها و تعرض‌ها با اعلامیه شانزدهم سپتامبر ۱۹۲۴ جامعه ملل، در حمایت از کودکان که تحت عنوان «اعلامیه ژنو»

¹ Organisation of Islamic Cooperation

تصویب شده و نیز اعلامیه حقوق کودک مصوب بیستم نوامبر ۱۹۵۹، و همچنین اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در چهاردهم دسامبر ۱۹۷۴، مربوط به حمایت از زنان و کودکان در مواقع بحرانی و مخاصمات مسلحانه و ماده ۷۷ پروتکل نخست الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۷۷ در خصوص احترام ویژه نسبت کودکان در برابر هر شکل از حمله «غیرمحرمانه» حفاظت شوند؛ در تضاد است. همچنین قطع‌نامه‌های ۲۴۴۴ (۲۳) نوزدهم دسامبر ۱۹۶۸، ۲۵۹۷ (۲۴) شانزدهم دسامبر ۱۹۶۹، ۲۶۷۴ (۲۵) و ۲۶۷۵ (۲۵) نهم دسامبر ۱۹۷۰ به موضوع حمایت از حقوق بشر و اصول بنیادین راجع به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه اشاره شده است (کیانی نژاد، ۱۴۰۰). در حالی که این اسناد قاطع و الزام‌آور زمینه هرگونه تعرض به غیرنظامیان را در مخاصمات میان کشورها ممنوع کرده است؛ نظامیان سعودی با حمایت امریکا و شورای امنیت و نیز اغماض کشورهای اسلامی به انجام این اعمال به صورت شبانه‌روزی مبادرت می‌ورزند. سازمان ملل بحران انسانی یمن را در حال حاضر وخیم‌ترین بحران جهان توصیف کرده است که نزدیک به ۸۰ درصد از جمعیت ۳۰ میلیون نفری یمن نیاز به کمک دارند. با توجه به آژانس‌های مختلف سازمان ملل متحد، سو تغذیه حاد در کودکان زیر پنج سال در یمن به بالاترین سطح ثبت شده تاکنون رسیده است. تقریباً ۲,۳ میلیون کودک زیر ۵ سال در یمن در سال ۲۰۲۱ در معرض تغذیه حاد هستند (Sharp, 2021:9). برای سال ۲۰۲۱، سازمان ملل متحد به دنبال ۳,۸۵ میلیارد دلار برای عملیات کمک رسانی در سال است. با این حال در بالاترین خوش بینی فقط امکان تهیه ۱,۷ میلیارد دلار خواهد بود (همان: ۱۰).

برنامه جهانی غذا و شرایط اضطراری یمن



ابعاد سه‌گانه مسئولیت حمایت در خصوص کشور یمن

مسئولیت پیشگیری در مورد یمن

در گزارش کمیسیون مداخله و حاکمیت کشور و همچنین در سند نهایی نشست سران در سال ۲۰۰۵ به نخستین و مهم‌ترین ابزار برای اجرایی نمودن مسئولیت پیشگیری، یعنی ایجاد ساختارهای هشداردهنده زودهنگام برای وقوع چهار جرم تحت پوشش مسئولیت حمایت، اشاره شده است (سواری و حسینی بلوچی، ۱۳۹۰: ۱۹۲). بنابراین دولت‌ها مسئولیت دارند از مواردی که باعث بروز اختلاف بین افراد ساکن در آن سرزمین هستند، جلوگیری کنند که مبادا در آینده منجر به جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت، ژنوسید و پاک‌سازی نژادی گردد. کشور یمن از سال‌های قبل از اتحاد دو یمن جنوبی و شمالی درگیر منازعات قبیله‌ای و دینی و سرزمینی بود. و پس از اتحاد دو سرزمین نیز این منازعات ادامه داشت. علی عبدالله صالح پس از رسیدن به حکومت تا پایان ریاست جمهوری‌اش پس از بیش از سی سال، تبعیضات و خشونت‌ها و استبداد را بر این سرزمین حکم فرما کرده بود. پس از انقلاب سال ۲۰۱۱ رژیم علی عبدالله صالح مینا را بر سرکوب گذاشت و دست به خونریزی و سرکوب معترضان نمود. بر پایه‌ی مسئولیت حمایت، حکومت مرکزی مسئولیت پیشگیری از این اقدامات را بر عهده داشت و باید از راه‌حلی‌هایی نظیر مذاکره، تحقیق، مصالحه و حل و فصل قضایی و داوری استفاده می‌کرد. اما از همان ابتدا بنا را بر سرکوب گذاشت. در این راستا جامعه جهانی با تأخیر و البته بسیار ضعیف عمل کرد و اقداماتی بسان موارد زیر را انجام داد:

۱- در ۹ آوریل ۲۰۱۱ شورای امنیت سازمان ملل از معترضان و مقامات یمنی خواست تا ضمن خویشتن‌داری با یکدیگر گفت‌وگوی سیاسی داشته باشند و برای بررسی بحران در یمن برای نخستین بار تشکیل جلسه داد.

۲- شورای امنیت سازمان ملل در ۲۱ اکتبر سال ۲۰۱۱ طی قطعنامه ابراز نگرانی جدی از وضعیت یمن کرد. از جمله از شرایط اقتصادی و اجتماعی، افزایش فعالیت گروه‌های

تروریستی، افزایش آوارگان و پناهندگان، سطح نگران‌کننده‌ای از سوءتغذیه ناشی از خشک‌سالی و افزایش قیمت سوخت و مواد غذایی، افزایش قطع منابع عمومی و خدمات اجتماعی، و دسترسی به‌طور فزاینده دشوار به آب سالم و مراقبت‌های بهداشتی شورای امنیت در هفتم نوامبر علی عبدالله صالح و چند نفر دیگر از جمله رهبر انصار الله را به بهانه‌ی مانع‌شدن آن‌ها در جریان صلح تحریم کرد. بر اساس تصمیم شورای امنیت، کشورهای عضو سازمان ملل از دادن روایت به این سه نفر خودداری خواهند کرد. همچنین اموال آن‌ها بلوکه خواهد شد.

۳- وزارت خزانه‌داری آمریکا (۱۰ نوامبر) علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری سابق یمن، و دو فرمانده نظامی جنبش حوثی را به اتهام برهم زدن ثبات این کشور تحریم کرد.

۴- جمال بن عمر، فرستاده خاص ملل متحد برای یمن از خشونت‌های بیشتر در این کشور هشدار داد. او در جلسه شورای امنیت بایان اینکه یمن در لبه پرتگاه قرار دارد، تصریح کرد: "احتمال از سرگیری درگیری‌های شدید هر لحظه وجود دارد. وی به اعضای شورای امنیت گفت که پرچم "جمهوری یمن جنوبی" بر تمامی نهادها در عدن برافراشته شده است و برخی از مناطق عملاً جدایی خود را اعلام کرده‌اند، هرچند که این مسئله به‌صورت رسمی صورت نگرفته است" (بهری خیایوی، ۱۳۹۴).

۵- هم‌زمان بان کی مون، دبیر کل وقت سازمان ملل، نسبت به تحولات یمن اظهار نگرانی کرده و از تمامی طرف‌ها خواست تا در مسیر گفت‌وگو با مشاور ویژه وی باقی بمانند.

۶- والری آموس^۱ مسئول امور بشردوستانه سازمان ملل ضمن ابراز نگرانی شدید درباره درگیری‌ها در یمن از طرف‌های درگیر در این کشور خواست تا همه تلاش خود برای حمایت از شهروندان یمنی را به کار بگیرند. وی افزود: "ده‌ها هزار یمنی منازل خود را ترک و بیشتر آن‌ها به سمت جیبوتی و سومالی مهاجرت کردند" (پیشین).

¹ Valerie Amos

۷- صلیب سرخ جهانی خواسته است پیش از آنکه شمار مجروحان درگیری‌های جاری در یمن افزایش یابد هر چه زودتر در این کشور آتش‌بس موقت برقرار شود. این سازمان خواهان آتش‌بس ۲۴ ساعته در یمن شده و می‌گوید تعداد زیادی از مردم یمن در حملات هوایی و زمینی اخیر زخمی شده‌اند و اگر فوراً کمک‌های درمانی به آن‌ها نرسد، جان خود را از دست خواهند داد. صلیب سرخ می‌گوید لازم است هر چه زودتر غذا، آب و کمک‌های درمانی و ملزومات شخصی موردنیاز به منطقه برسد. روبرت ماردینی^۱ رئیس بخش عملیاتی سازمان صلیب سرخ در خاورمیانه گفته است: «اگر نبرد در یمن فوراً متوقف نشود قطعاً مردم بیشتری خواهند مرد و شانس زنده ماندن زخمی‌ها به واکنش ما در چند ساعت آینده بستگی دارد و نه به چند روز آینده.» (پیشین).

۸- از سوی دیگر، ائتلاف مدنی یمن ویژه رصد تجاوزات عربستان در گزارشی درباره جنایت‌های این کشور علیه شهروندان یمنی اعلام کرد که این تجاوزات عمدتاً در فرودگاه‌ها، نیروگاه‌های برق و انبارهای مواد غذایی صورت می‌گیرد که همین مسئله منجر آوارگی هزاران یمنی شده است. والری آموس مسئول مور انسان دوستانه سازمان ملل خطاب به ائتلاف متجاوز سعودی علیه یمن گفت: کسانی که در درگیری‌های یمن مشارکت دارند نباید بیمارستان‌ها، مدارس، اردوگاه‌های پناهندگان و آوارگان یمنی و زیرساخت‌های این کشور را هدف قرار دهند.

۹- دبیر کل وقت سازمان ملل درگیری‌های روی‌داده میان نیروهای مردمی انصار الله و گارد ریاست جمهوری در صنعا پایتخت یمن را محکوم کرد.

در مورد مسئولیت پیشگیری اگر نیازهای مردم یمن قبل از شروع بحران مدنظر قرار می‌گرفت و رفع می‌شد، دیگر انقلابی انجام نمی‌گرفت یعنی عللی همچون تقسیم قدرت قانونی، تأمین آزادی مطبوعات، دموکراتیزه کردن نهادها و ... باید انجام می‌گرفت که

¹ Robert Mardini

در نهایت انجام نگرفت. در این خصوص جامعه جهانی هم اقدامات بسیار ضعیفی در راستای مسئولیت پیشگیری به شرح موارد ذکر شده انجام داد (پیشین).

مسئولیت واکنش در مورد یمن

مسئولیت واکنش در پاسخ به موقعیت‌هایی است که نیاز مبرم برای اقدام احساس می‌شود که می‌تواند شامل اقدامات سرکوبگرانه مانند تحریم‌ها و محاکمه بین‌المللی و در موارد حاد، مداخله نظامی گردد. زمانی که دولت حاکم نخواهد یا نتواند از آسیب‌های جدی وارد بر اتباع خود جلوگیری کند، این مسئولیت به جامعه بین‌الملل منتقل می‌شود و جامعه بین‌الملل در قالب و سازوکاری که وجود دارد، نسبت به سرکوب آن جرائم باید اقدام کند. با وجود تلاش‌هایی که دولت حاکم برای حل بحران انجام داد، اما نتوانست از بروز خشونت‌ها و آسیب‌های جدی بر مردم یمن بکاهد و حتی منجر به فرار رئیس‌جمهور یمن از کشور شد. بدین ترتیب جامعه بین‌الملل را برای اتخاذ تصمیماتی جهت حل این بحران برانگیخت تا از آسیب‌های وارده بر اتباع ساکن در یمن بکاهد و در نهایت بحران را کنترل کند.

با تلاش سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تصمیماتی به شرح زیر گرفته شد:

1 - شورای همکاری خلیج فارس برای حل مسالمت‌آمیز بحران یمن طرحی را آماده کرد که مورد حمایت شورای امنیت و دبیر کل و اتحادیه اروپا نیز قرار گرفت. طرح شورای همکاری خلیج فارس برای کناره‌گیری علی عبدالله صالح از قدرت و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و جلوگیری از بروز بحران سیاسی و امنیتی در یمن متمرکز بود (AL-BAB, 2019).

2- شورای امنیت سازمان ملل در ۲۱ اکتبر سال ۲۰۱۱ طی قطعنامه شماره ۲۰۱۴ در جلسه ۶۶۳۴ درباره یمن تصویب کرد که شامل ۱۳ بند بود. این قطعنامه با یادآوری مسئولیت اولیه حکومت یمن نسبت به حمایت از شهروندانش، بهترین راه‌حل بحران کنونی را روندهای جامع سیاسی معرفی کرده که شرایط گذار سیاسی را فراهم می‌سازند

(UNDOCS,2011). دربندهای این قطعنامه از دولت یمن و مخالفان آن خواسته شده که هر چه زودتر به درگیری‌ها در این کشور پایان دهند. همچنین از دو طرف درگیر خواسته شده که با فراهم کردن مصونیت قضایی برای علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری یمن، زمینه را برای کناره‌گیری وی از قدرت آماده کنند و از مقامات یمنی درخواست شده که به الزاماتشان بر اساس حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه، پای بند باشند و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مردم یمن را محترم بشمارند. در ادامه نیز از همه طرف‌ها خواسته شده که به تضمین حمایت از زنان و کودکان بپردازند و گروه‌های مسلح ملزم به کنار گذاشتن سلاح‌ها شدند در این قطعنامه استفاده از خشونت علیه مخالفان دولت و سرکوب معترضان یمنی به شدت محکوم شده است (AL-BAB,2019).

۳- در ۲۲ اکتبر ۲۰۱۱ وزارت خارجه آمریکا در طی بیانیه‌ای خواستار انتقال فوری قدرت در یمن شد. در قسمتی از این بیانیه آمده است: "امروز جامعه بین‌المللی پیامی روشن و متحد ارسال کرد که زمان برای رئیس‌جمهور یمن علی عبدالله صالح فرارسیده است تا به مردم یمن اجازه دهد که فارغ از خشونت و ناامنی آزادانه زندگی کنند، ما از دولت یمن می‌خواهیم تا در مورد افرادی که در رابطه با خشونت‌ها علیه تظاهرات صلح‌آمیز مقصر هستند، رسیدگی کرده و آنان را به خاطر جنایاتشان موردحسابرسی قرار دهد، تنها راه پاسخ دادن به خواسته‌های مردم یمن، شروع فوری انتقال قدرت بر اساس ابتکار عمل شورای همکاری خلیج است".

۴- اتحادیه اروپا نیز در یمن بر انتقال آرام قدرت از عبدالله صالح به معاونش در چارچوب ساختار قبلی حاکمیت یمن توافق داشت. اتحادیه اروپا نیز در چارچوب همان طرح شورای همکاری خلیج فارس حرکت نمود و مخالف تغییرات عمیق در ساختار حکومتی این کشور بود.

۵- شورای امنیت در قطعنامه‌ای (۲۰۵۱ مورخ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۲) از جنبش مردمی انصار الله یمن خواسته است تا از قدرت صرف‌نظر کند اعضای شورای امنیت با توافق به پیش‌نویس

قطعنامه‌ای رأی دادند که در آن با طرح ادعای «تصمیمات یک‌جانبه» جنبش انصار الله در یمن، این تصمیمات محکوم شده و از این جنبش خواسته شده است تا قدرت را رها کرده و به مذاکرات بازگردد و افراد این گروه فوراً و بدون قید و شرط از ادارات دولتی در صنعا خارج شوند و به حبس خانگی رئیس جمهوری و اعضای کابینه پایان دهند. در این قطعنامه هم چنین از اعضای انصار الله خواسته شده است تا «اوضاع امنیتی را در صنعا عادی ساخته و به روند سیاسی مسالمت آمیز پایبند باشند و سلاح خود را تحویل دهند.» این قطعنامه هم چنین از طرف‌های یمنی به ویژه انصار الله خواسته است تا به مذاکرات بازگردند و برای دستیابی به راه حل سیاسی که حاکمیت و تمامیت یمن را حفظ کند، به طرح کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پایبند باشند. در این قطعنامه ضرب الاجل ۱۵ روزه برای جنبش انصار الله تعیین شده است تا قبل از اینکه تحریم‌هایی علیه آن‌ها اعمال شود، به مذاکرات بازگردند و به طرح شورای همکاری و مکانیسم اجرایی آن و توافق صلح و شراکت پایبند باشند. در این پیش نویس همچنین تأکید شده است در صورتی که هر یک از طرف‌ها در یمن به بندهای این قطعنامه پایبند نباشند، شورای امنیت آماده است گام‌های بیشتری را اتخاذ کند (UN:June 12,2012).

۶- شورای امنیت طی قطعنامه ۲۱۴۰ مورخ ۲۰۱۴ کمیته تحریم را تصویب کرد که بر اساس آن این کمیته باید دارایی‌ها و اموال رهبران انصار الله و هم‌پیمانانش را مسدود کرده و تحریم سیاسی و مالی علیه آن‌ها اعمال نماید. کمیته تحریم وظایف دیگری نیز دارد؛ برنامه‌ریزی برای برقراری گفتگو میان طرف‌های درگیر و رفع سوء تفاهم‌های کشورهای ذی نفع از جمله این موارد است. قطعنامه یاد شده مسائل دیگری را همچون نگرانی از افزایش خشونت، نگرانی از سوء استفاده از سلاح و دامن زدن به بی ثباتی و... مدنظر قرار داده است (UN, March, 2014).

۷- عربستان سعودی در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ در قالب یک ائتلاف منطقه‌ای مواضع انصار الله را بمباران کرد. ملک سلمان، پادشاه عربستان گفت که حملات علیه حوثی‌ها را تا خنثی

شدن "کودتا" در یمن ادامه خواهد داد. عربستان سعودی در توجیه اقدام نظامی خود در یمن، دستیابی حوثی‌ها به موشک‌های بالستیک، نیروی هوایی و به‌طور کلی مسائل امنیتی منطقه‌ای عنوان کرد (UNS/2015/217).

۸- در همین برهه در ۲۹ مارس ۲۰۱۵ سران کشورهای عضو اتحادیه عرب در شرم‌الشیخ مصر گرد هم آمدند و بر ایجاد یک نیروی مشترک نظامی عربی توافق کرده‌اند. هم‌زمان با این تحولات نبیل عربی، دبیر کل اتحادیه عرب و در آغاز دومین روز از اجلاس سران اتحادیه عرب در سرم‌الشیخ مصر بیان کرد که حملات ائتلاف به رهبری عربستان سعودی علیه حوثی‌ها در یمن تا زمانی که این گروه سلاح‌های خود را تسلیم نکند و از مناطقی که اشغال کرده عقب نرود ادامه خواهد.

۹- وزیر خارجه آمریکا در تماس تلفنی با همتایان خود در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس حمایت خود را از تجاوز هوایی عربستان به یمن اعلام کرد. در بیانیه‌ای که توسط شورای امنیت ملی آمریکا درباره تحولات یمن منتشر شد آمده است که: «رئیس‌جمهور اوپاما در حمایت از اقدامات شورای همکاری خلیج فارس برای دفاع در برابر خشونت حوثی‌ها، مجوز لازم برای ارائه حمایت‌های تدارکاتی و اطلاعاتی به رشته عملیات نظامی زیر نظر شورای همکاری خلیج فارس را صادر کرده است. گرچه نظامیان آمریکایی برای حمایت از این تلاش‌ها، مستقیماً در یمن اقدام نظامی نخواهند کرد، ما سرگرم ایجاد شبکه برنامه‌ریزی مشترک با عربستان برای ایجاد هماهنگی در حمایت‌های نظامی و اطلاعاتی آمریکا هستیم.

۱۰- متعاقب تحولات و تغییرات ایجادشده در عرصه سیاسی یمن، شورای امنیت ضمن چشم بستن بر تجاوز آل سعود قطعنامه ۲۲۱۶ را در ۱۵ آوریل ۲۰۱۵ صادر کرد. قطعنامه مذکور در جلسه بررسی اوضاع یمن، با ۱۴ رأی مثبت اعضا دائم و غیر دائم و یک رأی ممتنع روسیه تصویب شد. پیش‌نویس قطعنامه ۲۲۱۶ پیش‌تر از سوی اردن و به نمایندگی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس ارائه‌شده بود که شورای امنیت ضمن پذیرش

بی‌چون و چرای مفادِ پیش‌نویس، آن را به قطعنامه تبدیل کرد. بر اساس بندهای آن رهبر حوثی‌ها به همراه علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور سابق یمن و پسرش (احمد) تحریم شدند. همچنین تحریم‌ها شامل ممنوعیت صادرات سلاح، توقیف پول و دارائی‌ها و ممنوعیت سفر برای عبدالملک حوثی رهبر حوثی‌ها و احمد فرمانده سابق نیروی گارد جمهوری و پسر علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور سابق یمن است. در ادامه بر خروج انصار الله و کمیته‌های انقلابی از پایتخت و نهادهای دولتی و پایبندی طرفین درگیر به طرح شورای همکاری خلیج فارس، نتایج کنفرانس جامع گفتگوهای ملی و قطعنامه‌های مربوطه شورای امنیت و تسهیل امور برای عبور از دوره انتقالی و تشکیل دولت وحدت ملی تأکید دوباره شده است. در این قطعنامه از طرف‌های نزاع خواسته شده است که شهروندان غیرنظامی را مورد حمایت قرار دهند (UN: April 15, 2015).

۱۱- بان کی مون، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد برای اولین بار از زمان حمله به یمن توسط نیروهای ائتلاف منطقه‌ای به رهبری عربستان سعودی، خواستار برقراری آتش‌بس فوری از سوی همه طرف‌های درگیر یمن شد.

۱۲- آدام دینگک، مشاور ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در امور جلوگیری از نسل‌کشی و جنیفر ولش، مشاور ویژه دبیر کل در زمینه مسئولیت حمایت در مطلبی نوشته‌اند: دبیر کل سازمان ملل متحد مکرراً طرفین را فراخواند تا مطابق به تعهدات خود در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه از غیرنظامیان حفاظت کنند. با این حال گزارش‌ها حاکی از آن است که نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌طور فزاینده ادامه دارد.

جای سؤال است که چگونه مجتمع مسکونی محل اقامت کارگران در تعز که در ۲۴ ژوئیه مورد حمله هوایی قرار گرفت و طی آن ۷۳ غیرنظامی کشته شدند، می‌تواند هدف نظامی محسوب شود. چنین پرسش‌هایی مشروع و حیاتی است. این حقایق هشداردهنده‌اند؛ از مارس امسال ۲۰۱۷ تأسیسات غیرنظامی به‌طور کامل یا تا حدی منهدم شدند که بیمارستان‌ها، مدارس، مکان‌های عبادت و خانه‌های شخصی را شامل می‌شود. ما دچار

سکوت واقعی جامعه بین‌الملل در مورد تأثیر منازعات بر غیرنظامیان در یمن و به‌طور خاص شورای امنیت سازمان ملل شده‌ایم. بعلاوه غیرنظامیان اکنون برای تحمل فشار منازعات با شرایط هولناک انسانی دست‌به‌گریبان‌اند که نتیجه منازعات است. محاصره تعدادی از استان‌های تحت حکومت دولت مانع از رسیدن مواد غذایی اصلی به غیرنظامیان شده است و بنا به گزارش‌ها، حملات هوایی بازارهای محلی و کامیون‌های حامل مواد غذایی را هدف قرار داده‌اند. در ادامه آمده است: طبق گزارش‌ها در بعضی موارد محدود کردن دسترسی به مواد غذایی ممکن است حتی به‌عنوان سیاست نظامی در یکی از کشورهای کمتر توسعه‌یافته و فقیر جهان مورد استفاده قرار گیرد. اگرچه طبق توافق جدی میان طرفین، باید خشونت متوقف و اجازه دسترسی به کمک‌های بشردوستانه داده و گام‌هایی در راستای حل و فصل صلح‌آمیز منازعات برداشته شود اما احتمالاً این وضعیت به‌سوی انحطاط بیشتر و افزایش درد و رنج غیرنظامیان پیش می‌رود. این نگرانی وجود دارد که مبادا به دلیل کشیده شدن مبارزات به گروه‌های قبیله‌ای و جوامعی که جانب خاصی را می‌گیرند، مسائل هویتی بخشی از روایت طرفین منازعه شود. بخش یمنی داعش و القاعده در شبه‌جزیره عربستان از خلأ امنیتی در یمن سوءاستفاده کرده تا نفوذ و کنترل خود را افزایش دهند. آن‌ها برای توجیه جنایات خود از دلایل فرقه‌ای بهره می‌جویند. در نتیجه خطر فزاینده‌ای وجود دارد که غیرنظامیان به‌ویژه اقلیت‌هایی که در یمن و کشورهای همسایه زندگی می‌کنند، بر اساس هویتشان مورد هدف قرار گیرند. داعش در ۲۹ ژوئیه مسئولیت انفجار یک خودروی بمب‌گذاری‌شده را پذیرفت که مسجد آل فیاض آل حاتمی در شرق صنعا را با حضور اقلیت شیعه اسماعیلی مورد حمله قرار داده بود. داعش ادعا کرد برای انتقام از اسماعیلیان که از حوثی‌ها حمایت کرده‌اند این حمله را ترتیب داده است. خشونت مداوم و به‌طور فزاینده محلی شده می‌تواند منجر به سناریویی شود که بخش‌های بیشتری از جوامع را بر اساس هویتشان درگیر جنگ می‌کند.

مردم یمن پس از قیام‌های ۲۰۱۱ با عزمی راسخ تلاش کرده‌اند تا از طریق گفتگوی سیاسی به حل و فصل اختلافات خود بپردازند. اگرچه این حل و فصل به طوری جدی مورد آزمایش قرار گرفته شده است اما باید تعهد طرفین درگیر را برای حفاظت از غیرنظامیان تحت حقوق بین‌المللی بشردوستانه یادآوری شود. ما از آنان می‌خواهیم که برای جلوگیری از تحریک به خشونت و انتقام‌جویی‌های قومی تمام اقدامات ممکن را به عمل آورند. مسئولیت رسانه‌ها، خودداری از دامن زدن به اختلافات بر اساس هویت و در عوض ترویج احترام به گوناگونی است. همچنین جامعه بین‌الملل مسئولیت محافظت از مردم در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاک‌سازی قومی و جنایت علیه بشریت را بر عهده دارد و باید تلاش‌های خود را برای تحقق این مسئولیت تشدید کند. بعلاوه، تنش‌های فزاینده در یمن می‌تواند پیامدهای امنیتی منطقه‌ای را به دنبال داشته باشد که جامعه بین‌الملل نمی‌تواند آن را تحمل یا دست‌کم نادیده بگیرد. چنانچه بخواهیم از وقوع فاجعه در منطقه جلوگیری کنیم باید به طور مشترک حفاظت از غیرنظامیان یمن را در زمره اولویت‌های خود قرار دهیم. با توجه به موارد بالا از جمله قطعنامه‌های صادره توسط شورای امنیت دولت یمن موظف به حمایت از شهروندان خود در چارچوب مسئولیت حمایت است و اگر به این وظیفه خود عمل نکند جامعه بین‌المللی می‌تواند بر اساس بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نهایی سران (۲۰۰۵) که صراحتاً به نظریه مسئولیت حمایت مشروعیت بخشیده است به این موضوع وارد و اقداماتی را انجام دهد، چنانکه در قطعنامه ۲۰۵۱ صراحتاً قید شده است، در صورتی که هر یک از طرف‌های درگیر در یمن به مفاد بندهای این قطعنامه پایبند نباشند، شورای امنیت آماده است گام‌های بیشتری را اتخاذ کند.

مسئولیت بازسازی در مورد یمن

مسئولیت بازسازی سومین جنبه مسئولیت حمایت است که به موجب آن با فراهم نمودن همیاری کافی به خصوص بعد از مداخله‌ی نظامی برای بهبود، بازسازی، آشتی و مواجهه با دلایل منازعه که مداخله باعث توقف آن شده است مطرح می‌شود. این بخش شامل

اقداماتی است که بعد از فیصله مداخله نظامی می‌بایست تحت نظارت سازمان ملل و با همکاری اعضای جامعه جهانی و حاکمیت و نهادهای قانونی کشور مورد مداخله به انجام رسند، مانند استقرار صلح و امنیت پایدار، بازسازی اماکن و معابر تخریب‌شده، محاکمه مجرمین و...^۱ پس از مسئولیت واکنشی، مسئولیت بازسازی ضرورت پیدا می‌کند تا کشورهای مداخله‌گر و جامعه‌ی بین‌الملل بتوانند، کشور موردنظر را به حالت ثبات برسانند. در این راستا کشور یمن نیز به اشکال زیر مورد حمایت مسئولیت بازسازی قرار گرفت:

- ۱- در ۲۳ می ۲۰۱۲ کمک ۶،۴ میلیارد دلاری کشورهای دوست یمن برای کمک به این کشور جهت مقابله با تروریسم
- ۲- کمک ۳،۲۵ میلیارد دلاری عربستان جهت تحقق طرح شورای همکاری در یمن
- ۳- تجدیدنظر کردن رئیس‌جمهوری یمن در ساختار ارتش این کشور در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲ و منحل کردن گارد ریاست جمهوری به فرماندهی احمد پسر علی عبدالله صالح
- ۴- اعلام اتحادیه اروپا مبنی بر پرداخت مبلغ ۹/۲ میلیون دلار در حمایت از انتخابات یمن. در مورد مسئولیت بازسازی اقدامات قابل توجهی از طرف جامعه بین‌المللی، که کشور یمن را به حالت ثبات برساند انجام نگرفته و به همین سبب بعد از گذشت چند سال این کشور هنوز نتوانسته بحران را پشت سر بگذارد و به توافقی مسالمت‌آمیز برسد.

^۱ برای مطالعه بیشتر بنگرید به: <https://www.wfm-igp.org/icrtop>

نتیجه گیری

یمن از زمان تشکیل جمهوری در سال ۱۹۷۰ با تحولات گوناگونی در عرصه داخلی روبرو بوده است. علاوه بر جنگ‌های داخلی، درگیری‌های مرزی با عربستان، جنگ‌های شش گانه با حوثی‌ها، مبارزه با جنبش حراک تجزیه طلب در جنوب و مبارزه با القاعده از جمله این تحولات هستند. بی ثباتی داخلی و فقر گسترده در یمن به عنوان فقیرترین کشور عربی، منجر به دخالت نیروهای خارجی شد. علی عبدالله صالح پس از رسیدن به حکومت تا پایان ریاست جمهوری اش پس از بیش از سی سال، تبعیضات و خشونت‌ها و استبداد را بر این سرزمین حکم فرما کرده بود. پس از انقلاب سال ۲۰۱۱ رژیم علی عبدالله صالح به جای تن دادن به خواسته‌های مشروع و قانونی مردم، با توسل به زور و خشونت دست به سرکوب معترضان زد و موارد عدیده‌ای از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه زد. درحالی که بر پایه‌ی مسئولیت حمایت، حکومت مرکزی مسئولیت پیشگیری از این اقدامات را بر عهده داشت و باید از راه حل‌هایی نظیر مذاکره، تحقیق، مصالحه و حل و فصل قضایی و داوری استفاده می کرد.

در خصوص مسئولیت واکنش تصمیماتی از طرف سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به دلایلی از جمله منافع قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا که همراه با صدور قطعنامه‌هایی با لحنی آرام و ملایم از سوی شورای امنیت منجر شد تا این تصمیمات به نحو درستی اجرا نگردد و در نهایت با دخالت ائتلاف منطقه‌ای به رهبری عربستان بحران یمن پیچیده تر نیز شد که نشان از عدم اراده‌ی سیاسی قدرت‌های بزرگ بین‌المللی برای حل بحران یمن دارد. در مورد مسئولیت بازسازی اقداماتی از طرف جامعه بین‌المللی صورت گرفته ولی اصلاً کافی نبوده و به همین سبب از شروع انقلاب (۲۰۱۱) این کشور هنوز نتوانسته بحران را پشت سر بگذارد و به ثبات برسد. در خصوص دلایل این حمایت می توان به قدرت یابی حوثی‌ها اشاره کرد که به لحاظ گرایش‌های سیاسی و اعتقادی، نزدیکی زیادی به ایران دارند و می توانند به تقویت محور مقاومت کمک کنند؛ امری که تهدیدی علیه عربستان و حامیان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای آن است.

منابع

- اسلامی زارنجی، علی (۱۳۹۶)، بررسی جامعه شناسی شیعیان یمن در دوران معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شیعه شناسی - گرایش جامعه شناسی دانشگاه قم، زمستان ۱۳۹۶
- بهری خیای، بهمن (۱۳۹۴)، مسئولیت حمایتی در بحران یمن از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترس در: <http://ilgarnews.ir/?p=7061>
- مسعود نیا، حسین، توسلی، حسین (۱۳۹۱)، بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۳
- حشمت، فهیمه (۱۳۹۷)، واکاوی اقدامات نظامی ائتلاف به رهبری عربستان در یمن از منظر حقوق بشردوستانه بین المللی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۲، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، صص ۸۶-۵۷
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، «عربستان و رؤیای تسلط بر یمن»، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۱۷، صص ۳۷-۶۹
- سواری، حسن (۱۳۹۰): نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال سیزدهم، شماره ۳۲، بهار
- امیرساعد، وکیل (۱۳۹۰)، وضعیت دارفور و غزه، میدان آزمون نظریه مسئولیت حمایت، پژوهش حقوق عمومی، بهار ۱۳۹۰، دوره ۱۳، شماره ۳۲، صص ۴۴۴-۴۰۳
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۹۴)، بررسی حقوقی مشروعیت مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن، ماهنامه سیاسی - تحلیلی همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۷، تابستان ۱۳۹۴، دسترسی آنلاین <https://tisri.org/?id=aoy8cpl> :
- التیامی نیا، رضا؛ باقری دولت آبادی، علی؛ نیکفر، جاسب (۱۳۹۵)، بحران یمن: بررسی زمینها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و امریکا، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز (۱۳۹۵) شماره پیاپی ۴۸، صص ۱۹۸-۱۷۱
- نیاکویی، سید امیر. (۱۳۹۰). «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال افریقا؛ ریشه ها و پیامدهای متفاوت»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۳، شماره ۴۰
- داداندیش، پروین (۱۳۹۱)، تحولات لیبی و دکرین مسئولیت حمایت، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، بهار ۱۳۹۱

- AL-BAB(October 9, 2019), Yemen transition agreement (2011). *Al-Bab*. Retrieved 2021/JUL/16 from:
<https://al-bab.com/documents-reference-section/yemen-transition-agreement-2011>
- IOC (2008), COUNTRY PROFILE: YEMEN, (2008), Library of Congress – Federal Research Division, August 2008, available at:
<https://www.loc.gov/rr/frd/cs/profiles/Yemen.pdf>
- Sharp, J (2015), Yemen: Civil War and Regional Intervention, October 2, 2015, Congressional Research Service
- Sharp, J (2021), Yemen: Civil War and Regional Intervention, Updated March 12, 2021, Congressional Research Service
- Stahn, Carsten (2008), Responsibility to Protect: Political Rhetoric or Emerging Legal Norm?, Published online by Cambridge University Press: 27 February 2017, AVAILABLE AT:
<https://www.cambridge.org/core/journals/american-journal-of-international-law/article/abs/responsibility-to-protect-political-rhetoric-or-emerging-legal-norm/AA7D44EAA83C75AC1A5EDF84BEA81D31#metrics>
- Tasnimnews(1395), مداخله نظامی عربستان در یمن و چشم انداز صلح
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/09/22/1265134/>
- Kayhan International (July 22, 1992).
- Blumi, Isa. (2011), *Chaos in Yemon: Societal Collapse and the New Authoritarianism*, Routledge
- Undocs (2011), 6634th meeting Friday, 21 October 2011, 3 p.m. New York, Available at:
<https://undocs.org/S/PV.6634>
- Undocs (2012), Adopted by the Security Council at its 6784th meeting, on 12 June 2012, Available at
<https://undocs.org/S/RES/2051>
- UN (2015), S/RES/2216
Available at:
<https://www.un.org/securitycouncil/s/res/2216-%282015%29-0>
- UN (2015), S/RES/2140
Available at:
<https://www.un.org/securitycouncil/node/49479>